

🗓️ اوقات شرعی	
اذان ظهر: ۱۲:۱۷	نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۵
غروب آفتاب: ۱۷:۵۸	اذان صبح فردا: ۵:۱۲
اذان مغرب: ۱۸:۱۶	طلوع خورشید فردا: ۶:۳۶

📰 یادداشت	
<p><b>چهر صادق منش پروچردی</b>   پژوهشگر امور فرهنگی</p>	

### عدالت خواهی و فسادستیزی؛ علت محدثه و مبقیه انقلاب

بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» که امام خامنه‌ای به مناسبت ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی صادر فرمودند، از زوایای مختلف نیازمند تحلیل، تفصیل، ترویج و شایسته محوریت برای تدوین برنامه‌های کلان رشد و پیشرفت همه‌جانبه است.

از آنجا که محور چهارم سفارش امام خامنه‌ای مربوط به «عدالت و مبارزه با فساد» است، اشاره‌ای گذرا به مبانی این رویکرد در نظام مقدس جمهوری اسلامی، الزامات و نسبت آن با سایر محورهای بیانیه گام دوم می‌کنیم.

۱. عدالت مهم‌ترین گمشده ملت ایران در طول تاریخ حاکمیت شاهان بر سرنوشت آنان بوده است. شعار تأسیس «عدالتخانه» در نهضت مشروطه انعکاس بخشی از این مطالبه عمومی بود. روند گسترش بی‌عدالتی و فساد با انواع مختلف آن ـ اعم از فساد فکری، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی ـ در رژیم پهلوی به اوج خود رسید، تا جایی که مردم را به ستوه آورد و آنان با هادایت و راهبری عالمان و در رأس همه، امام خمینی(ره)، فریاد سرتنگونی نظام ظالم فاسد پهلوی را سر داده و انقلاب اسلامی خود را در سال ۱۳۵۷ به یاری خداوند به پیروزی رساند.

بنابراین عدالت‌خواهی و فسادستیزی علت محدثه انقلاب اسلامی بود اما این پیروزی پایان مطالبه عدالت از سوی ملت ایران نبوده امام خامنه‌ای در مقدمه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در این ارتباط می‌فرماید: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، غلظت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر اقول کند».

۲. بی‌گمان همه ارزش‌های انقلاب اسلامی، همانند حلقه‌های یک زنجیر ارتباطی تنگناگت با یکدیگر دارند به گونه‌ای که التزام واقعی به هر ارزشی ملازمه با التزام به سایر ارزش‌ها دارد.

بنابراین برخلاف رویکرد بعضی جریان‌های سیاسی که ارزش‌های اصیل را تکه‌تکه کرده و براساس قاعده کافرانه «نومن ببعض و تکفر ببعض» برخی ارزش‌های اسلام و قانون اساسی مانند آزادی و حقوق مردم را با تفسیر انحرافی و لیبالی، پیراهن عثمان اهداف حزبی و قدرت‌طلبی خویش قرار می‌دهند، دعوت به معنویت از دعوت به اقتصاد و دعوت به علم و پژوهش از دعوت به عدالت و دعوت به استقلال و آزادی از دعوت به مبارزه با فساد جدا نیست.

استاد شهید مرتضی مطهری ـ که بیان‌های ایشان در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی را که در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی گرد آمده است، می‌توان بیانیه گام اول انقلاب و تبیین مبانی آن دانست ـ در این باره می‌فرماید:

«انقلاب صدر اسلام در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلابی سیاسی نیز بود، و در همان حال که انقلابی معنوی و سیاسی نیز بود، انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود یعنی حریت، آزادگی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است. در واقع هیچ‌یک از ابعادی که در بالا به آنها اشاره کردیم، بیرون از اسلام نیستند؛ راز موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است.»

۳. با این حال نباید فراموش کرد که در نگاه توحیدی، یکی از این حلقه‌ها، حلقه مفقوده بقا و دوام و استمرار و استحکام سایر حلقه‌هاست و آن نیست مگر «عدالت و مبارزه با فساد» که لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

شاید از همین روست که در تمام آیات قرآن که خداوند در مقام اعلام شاخص‌های حکومتداری است روی التزام به «عدل» و «قسط» و نفی «ظلم» تمرکز ویژه‌ای می‌کند.

بر همین اساس است که راهبر دلسوز انقلاب ما در بیانیه گام دوم نهیب می‌زنند:

«فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست.»

استاد شهید مطهری نیز با شناخت کامل از مبانی اسلام و پیش‌بینی آینده انقلاب اسلامی ما می‌فرماید: «من تأکید می‌کنم اگر انقلاب مادر مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئنا به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد.... ماهیت این انقلاب ماهیتی عدالت‌خواهانه بوده است. این انقلاب به شرطی در آینده محفوظ خواهد ماند و به شرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعا و حتما مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه دهد.»

با این حال از آنجا که قرائت‌های مختلفی از عدالت و عدالت‌خواهی در تجربه بشری و انقلاب‌های دیگر ملت‌ها در قرون اخیر مانند انقلاب فرانسه، روسیه، هند و... وجود دارد، عدالت تنها با قرائت اسلام ناب محمدی است که می‌تواند تضمین‌کننده سعادت بشر در دو جهان باشد.

شهید مطهری این حقیقت را ۴۰ سال قبل با تیزبینی خاصی دریافته و می‌فرماید:

«اولد های آینده واقعا و عملا در مسیر عدالت اسلامی، داستانی از صدر اسلام را یادآوری می‌کنند؛ طبقاتی اقدام کنند، تبعیض‌ها را واقعا از میان بردارند و برای برقراری یک جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی آن، نه با مفهومی که دیگران گفته‌اند ـ زیرا که تفاوت بین این دو از زمین تا آسمان است ـ تلاش کنند.»

۴. لزوم طهارت اقتصادی و پرهیز از اشرافی‌گری، به‌ویژه برای حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی از جمله نکات مورد تأکید بیانیه گام دوم انقلاب است. شهید مطهری نیز با تأکید بر این محور و توجه دادن به پیامدهای ویرانگر اشرافی‌گری کارگزاران نظام اسلامی، داستانی از صدر اسلام را یادآوری می‌کنند؛ «یکی از نقطه‌ضعف‌های اساسی عثمان، قوم و خویش بازی او بود، آن هم قوم و خویشی که در دوره حاکمیت با گونه‌ای از اشرافیت خو گرفته بودند. عثمان اولاً نظام به اصطلاح اقطاعی رارایج کرد یعنی قسمت‌هایی از اموال عمومی را به کسانی که یا از خویشاوندانش بودند یا از دوستان و طرفدارانش بخشید، دیگر این‌که از بیت‌المال بخشش‌های فوق‌العاده بزرگی انجام داد و به اصطلاح امروز پرداخت هایش برحسب ارقام نجومی بود به این ترتیب در عرض ۱۲-۱۰ سال، ثروتمندانی در جهان اسلام پیدا شدند که تا آن زمان نظیرشان دیده نشده بود از نظر سیاسی هم باز پست‌ها و مقامات در میان همان اقلیت تقسیم می‌شد و می‌چرخید.

مگر کم اعتراض‌ها از هر گوشه و کنار شروع شد. از شهرستان‌های مختلف مردم شروع کردند به اعتراض و انتقاد و مهاجرت به مدینه برای نشان دادن ناراضایی خود چون اعتراض‌های لفظی و کتبی به نتیجه نرسید، در نهایت امر مردمی که از شهرستان‌های مختلف بالاخص از کوفه و مصر به‌عنوان شاکی و معترض آمده بودند، با همکاری مردم خود مدینه دست به قیام مسلحانه علیه سومین خلیفه مسلمین زدند عثمان تا آخرین لحظه مقاومت کرد اما بالاخره به دست انقلابیون از پا درآمد. در زمان حیات عثمان، تنها کسی که انقلابیون او را قبول داشتند و عثمان هم گاهی او را قبول می‌کرد و گاهی رد، حضرت علی(ع) بود که نقش رابط را میان انقلابیون و عثمان عمل می‌کرد علی(ع) همواره عثمان را نصیحت می‌کرد که دست از روشش بردارد و به خواسته‌های مردم جواب مثبت بدهد و افراد فاسدی را که در اطرافش هستند کنار بگذارد.»

ش. موضوع عدالت و فسادستیزی چیزی نیست که دیدبان انقلاب برای نخستین بار در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار داده باشند.

مروری بر بیانات ایشان در طول ۴۰ سال گذشته و حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نشانگر این حقیقت است. به عنوان مثال در کلام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد همواره با مخالفت و سنگ‌اندازی و هیاهوهای مفسدان و حامیان آنها همراه بوده است؛ «سخت‌ترین قسمت عدل هم عبارت است از آنجا که طرف مقابل عدل، اقویا هستند؛ زیر بار نمی‌روند، زور می‌گویند، متوقعند. اینجا بایستی ایستادگی کرد. هنر قاضی این است، استقلال قاضی این است که در یک چنین مواقعی، فقط و فقط خدا را در امر قانون را در نظر بگیرد.

**ادامه این مطلب را در جام جم آنلاین بخوانید**

# تصویر یک قهرمان

داده‌کاوی فضای توییتری شهید «سید حسن نصرالله» چه نتایجی به ما نشان می‌دهد؟

شهادت سید حسن نصرالله یکی از چهره‌های استراتژیک و مؤثر در منطقه خاورمیانه بود که بحث و نظرات زیادی پیرامون شخصیت و اقدامات وی در فضای مجازی منتشر شده است. در این میان تجزیه و تحلیل تصویر ایشان در توییتر فارسی آن هم در یک بازه زمانی چهار ساله؛ یعنی از اسفند ۱۳۹۹ تا اسفند ۱۴۰۳ ما را به نظام‌های استدلالی جالب‌توجهی می‌رساند. استخراج داده‌های توییتری شامل توییت، ریتوییت، ریپلای و کوت‌ها با جست‌وجوی کلیدواژه سید حسن نصرالله، از نیم میلیون محتوا از سوی ۱۴۷ هزار کاربر مختلف حکایت داشت که در بازه زمانی چهار ساله منتشر شده‌اند. این تعداد محتوا حدود ۱۴۰ میلیون بازدید و نزدیک هشت میلیون لایک گرفتند. یکی از نتایج این داده‌کاوی پیرامون این پرسش شکل گرفته که در میان محتوای منتشرشده پیرامون شهید سید حسن نصرالله، نام ایشان با چه اسامی بیشتر تکرار شده است؟ بررسی مجموع ۵۰۰ میلیون محتوای مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد که بیشترین قرابت کلامی میان رهبر حزب‌الله لبنان با رهبر مسلمانان جهان حضرت‌آیت‌الله خامنه‌ای و حاج قاسم سلیمانی بوده است به طوری‌که این ترکیب؛ سه‌گانه آشنایی است که در تحلیل محتوای مربوط به این سه شخصیت به‌شدت به چشم کدگذاری و تحلیل شده‌اند.



تصویر: سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان

یادداشت	
سید حسن!	
اکنون دیگر نمردنی شده‌ای، روحی که وطن اشتیاق و پیروزی است، زیر آوار نمی‌ماند، از جبر مخفیگاه‌ها پر کشیده و از آسمان و قلوب، راهبری می‌کند طوفان‌های آینده را. می‌توفد، الله، و این پیکرت تجلی جلال خدای توست که خود را به تماشا نهاده است. مکرها و شیاطین خاکستر شده‌اند. تدبیر الهی ناگاهان از ویرانه‌ها و کشتگان اذان فتح الفتح، فتح مبین برافشانده و فرشتگان به نجوا می‌گویند سبحان الله، سبحان الله ربی که توصیف‌نشدنی است و عزیز است و حکیم و پیروزی از اوست.	

این سلطنت خداست	
از جسد‌ها، پرچم‌های زرد خشم و قیام در باد روپیده است. سرود میلیونی مقاومت صخره‌ها را به رقص آورده در بیروت، در غزه، در نجف، در صنعا و البته در سراسر ایران. خیالباف افاک ائیم می‌لرزد. خواب‌های خوش رسانده‌های تبهکاران و وانمودهای شیاطین و نتانیاهو، یک‌دم کابوس بیداری‌شان شده. در ورزشگاه جان، در بیروت این روز تشییع و مرگ نیست. روز جشن و دریایی است مسرور از تو که برمی‌خیزد. دروغ‌ها آتش گرفته‌اند و خانه او‌هام عنکبوت در طوفان برپا شده از نام زنده‌ات فروپاشیده.	

آه	
بیروت	
بیروت	
توامروز عروس اسلامی و عشق آسمانی مایی، امید غزاه‌ی و بر ابریکه سلطنت عزت، بر شاهانه‌های جهان دست‌افشانی.	

سید حسن! نرفته بازگشته‌ای به جایی برای انتظار و امید و قیام. قلم به من دروغ نمی‌گوید. بازگشته‌ای به نشانه بازگشت نوربخش اعظم. حالا سید حسن، دست‌نیافتنی شده‌ای، از جاوداتان و یکی دیگر از دست‌نیافتنی‌ها برابر خصم خدا.

و مدام در شنوایی جهان نجوایی است، از تو جاری شده رود امیدی زنده: برمی‌گردد، برمی‌گردد

و یک جهان بیرق‌های زرد

فریادمی‌زنند:

برمی‌گردد برمی‌گردد

پیشخوان	
<p>«احساس می‌کنم دارم از مسیر درست زندگی‌ام منحرف می‌شوم، انگار در مسیری جلو می‌روم که اصلا نمی‌شود آن را پیمود. انگار سوار قطاری شده‌ام و می‌توانم از پنجره جاده‌ای را ببینم که همواره در آن بوده‌ام و قطارم چند صبحی در امتدادش پیش رفته اما بعد سرعت گرفته و دائما به شرق یا غرب، به طرف چشم‌انداز تپه‌های ناشنا پیچیده و هرچه را که پشت‌سرش بوده به حال خود رها کرده تا نابود شود....»</p> <p>«یک عمر کار» روایتی است بی‌پرده از عجایب مادر شدن که در آن ریچل کاسک با صداقتی نفسگیر، طنزی ظریف و زبانی روشن و گیرا از مواجهه شخصی‌اش با تجربه مادری می‌گوید. کاسک، که با زمان هایش جوایز بسیاری کسب کرده، در خاطراتش از زایمان و اولین ماه‌های پس از آن، دقت و هوشیاری گزارش‌نویسی را با تخیل و حساسیت رمان‌نویسی درهم می‌آمیزد و جنبه‌هایی از تجربه مادری را به تصویر می‌کشد که اغلب کمتر از آنها می‌گوییم و می‌شنویم. با انتشار کتاب در سال ۲۰۰۱، نگاه تازه و صادقانه نویسنده به این تجربه آشنا، زمینه‌ساز بحث‌های بسیاری در میان خوانندگان و منتقدان شد اما کتاب کاسک، فارغ از تحسین‌ها و انتقادات بسیاری که برانگیخته، شرح مواجهه‌های شخصی‌است که پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد، مواجهه با یکی از عمیق‌ترین تحولات زندگی‌ما که درک‌مان را از جهان، دیگران و البته از خودمان زیرورو می‌کند.</p>	<p>درباره «یک عمر کار» روایت‌هایی از تجربه مادرانگی نویسنده: راشل کاسک مترجم: ظهور آبتنی نشر: پیدگل سال انتشار: ۱۴۰۳</p>

## ماترکناک یابن الحسین

از مطهری‌ها و بهشتی‌ها و راجایی‌ها و چمران‌ها و همت‌ها و متوسلیان‌ها تا سلیمانی‌ها و مغنیه‌ها و رئیس‌ها، تا سننوارها، ضیف‌ها، هنیه‌ها، و سید هاشم‌ها و سید حسن‌ها سید حسن‌ها سید حسن‌ها تکتیر شده روح‌های گسترش‌دار پیران، شادمان و مشحون از خدا، که فریاد می‌زند یا ابا صالح درکنا فریادمی‌زند لیلیک یا حسین لیلیک یا حسین و فریادمی‌زند ماترکناک یابن الحسین.

و لیلیک حسین یعنی تویی خیمه‌گاه و لیلیک حسین یعنی دراین میدان بی‌طرفی ممکن نیست؛ یا با حسین یا با یزید! و لیلیک حسین یعنی رویاریوی ما امروز با نتانیاهوست و صهیونیست‌ها و همه دشمنان خونی خدا و ما ممکن نیست دست بکشم از اراده‌مان و عزم‌مان و یقین‌مان، نه با زندان، نه تشنگی، نه گرسنگی، نه از سر خوف و نه از هراس جنگ، و رهبر ما می‌گوید این شب آرزادید و می‌گوییم به خدا سوگند، سید ما و امام ما، قائدنا، اگر همگی مارا به قتل برسانند و اگر بی‌تردید بدانیم ما را، همه‌مان را به قتل می‌رسانند و به آتش می‌کشند و خاکستر می‌کنند و دوباره زنده می‌شویم و باز به قتل می‌رسیم و صدار تکرار می‌شود، ما تو را ترک نمی‌کنیم ای پسر حسین.

و هذا الامنا و هذا قائدنا و هذا حسین! فی هذا الزمان هو الامام خاتمی، امام مخیمنا و مرکز هذا المخیم جمهوریة الاسلامیه فی ایران حیات المعركة لا امکان الحیات. ام تکنون مع الحسین ام تکنون مع الیزید. ان المعركة لتجدد المواجه لتجدد من جدید، و ستقول نتانیاهو و صهیانه وکل المتأمرین علیه! نحن قوم لا یمكن ان یمس بآرادتنا و بعزمنا و یقینناو ایماتناو لا لا تشوی و لا عطش و لا خوف و لا حرب و اذا وقف قائدنا، الحسینی فی هذا الزمان ستقول لنا هذا اللیل عشیکم، ستقول له والله سیدنا و امامنا لو اننا نقلت جمیعاً لو اننا نعلن اننا نقلت ثم نولل ثم نحیی، نقلت لنا ذالک فی مره ماترکناک یابن الحسین.

«احساس می‌کنم دارم از مسیر درست زندگی‌ام منحرف می‌شوم، انگار در مسیری جلو می‌روم که اصلا نمی‌شود آن را پیمود. انگار سوار قطاری شده‌ام و می‌توانم از پنجره جاده‌ای را ببینم که همواره در آن بوده‌ام و قطارم چند صبحی در امتدادش پیش رفته اما بعد سرعت گرفته و دائما به شرق یا غرب، به طرف چشم‌انداز تپه‌های ناشنا پیچیده و هرچه را که پشت‌سرش بوده به حال خود رها کرده تا نابود شود....»

«یک عمر کار» روایتی است بی‌پرده از عجایب مادر شدن که در آن ریچل کاسک با صداقتی نفسگیر، طنزی ظریف و زبانی روشن و گیرا از مواجهه شخصی‌اش با تجربه مادری می‌گوید. کاسک، که با زمان هایش جوایز بسیاری کسب کرده، در خاطراتش از زایمان و اولین ماه‌های پس از آن، دقت و هوشیاری گزارش‌نویسی را با تخیل و حساسیت رمان‌نویسی درهم می‌آمیزد و جنبه‌هایی از تجربه مادری را به تصویر می‌کشد که اغلب کمتر از آنها می‌گوییم و می‌شنویم. با انتشار کتاب در سال ۲۰۰۱، نگاه تازه و صادقانه نویسنده به این تجربه آشنا، زمینه‌ساز بحث‌های بسیاری در میان خوانندگان و منتقدان شد اما کتاب کاسک، فارغ از تحسین‌ها و انتقادات بسیاری که برانگیخته، شرح مواجهه‌های شخصی‌است که پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد، مواجهه با یکی از عمیق‌ترین تحولات زندگی‌ما که درک‌مان را از جهان، دیگران و البته از خودمان زیرورو می‌کند.



احمد میراحسان نویسنده و پژوهشگر

تا بتابد الله در سرزمین‌های مغضوب. اکنون تو روحی بی‌شکست، و راهی، رهایی، جسد تو دیار هیهات منا الله، و این پیکرت تجلی جلال خدای توست که خود را به تماشا نهاده است. مکرها و شیاطین خاکستر شده‌اند. تدبیر الهی ناگاهان از ویرانه‌ها و کشتگان اذان فتح الفتح، فتح مبین برافشانده و فرشتگان به نجوا می‌گویند سبحان الله، سبحان الله ربی که توصیف‌نشدنی است و عزیز است و حکیم و پیروزی از اوست.

#### این سلطنت خداست

از جسد‌ها، پرچم‌های زرد خشم و قیام در باد روپیده است. سرود میلیونی مقاومت صخره‌ها را به رقص آورده در بیروت، در غزه، در نجف، در صنعا و البته در سراسر ایران. خواب‌های خوش رسانده‌های تبهکاران و وانمودهای شیاطین و نتانیاهو، یک‌دم کابوس بیداری‌شان شده. در ورزشگاه جان، در بیروت این روز تشییع و مرگ نیست. روز جشن و دریایی است مسرور از تو که برمی‌خیزد. دروغ‌ها آتش گرفته‌اند و خانه او‌هام عنکبوت در طوفان برپا شده از نام زنده‌ات فروپاشیده.

آه
بیروت
بیروت
توامروز عروس اسلامی و عشق آسمانی مایی، امید غزاه‌ی و بر ابریکه سلطنت عزت، بر شاهانه‌های جهان دست‌افشانی.

سید حسن! نرفته بازگشته‌ای به جایی برای انتظار و امید و قیام. قلم به من دروغ نمی‌گوید. بازگشته‌ای به نشانه بازگشت نوربخش اعظم. حالا سید حسن، دست‌نیافتنی شده‌ای، از جاوداتان و یکی دیگر از دست‌نیافتنی‌ها برابر خصم خدا.

و مدام در شنوایی جهان نجوایی است، از تو جاری شده رود امیدی زنده: برمی‌گردد، برمی‌گردد

و یک جهان بیرق‌های زرد

فریادمی‌زنند:

برمی‌گردد برمی‌گردد



متن کامل